فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال دهم، شماره سی‌وهشتم، تابستان ۱۳۹۹
مقاله پژوهشی، صفحات ۱۰۹-۱۲۸

نقش خاندان بوشهری در تحولات دو سده گذشته بحرین

فرشید لاری منفرد[۱]
سجاد پاپی[۲]
محمد منصوری مقدم[۳]

چکیده

بحرین به دلیل قرابت‌های جغرافیایی و اشتراکات فرهنگی با کرانه‌هـای شـمالی خلـیج فارس، به ویژه بنـدر بوشـهر، از گذشـته مقصـد بسـیاری از مهـاجران ایرانـی از جملـه مهاجران بوشهری بوده‌است. این مهاجران بـه دلیـل جمعیـت قابـل توجـه، همـواره از گروه‌های تأثیرگذار اجتماعی در بحرین محسوب می‌شدند. نمونـه بـارز ایـن مهـاجران، خاندان بوشهری است. این خاندان از هنگام مهاجرت در سـال ۱۸۶۰م تـاکنون، نقـش پررنگی در عرصه‌های گوناگون جامعه بحرین داشته و از خاندان‌های پرنفوذ این کشـور به شمار می‌رود. این پژوهش درصدد است با نگاهی تحلیلـی بـه منـابع کتابخانـه‌ای و اینترنتی و پژوهش‌های میدانی، به بررسی دلایل گوناگون مهاجرت مردم منطقه بوشهر به بحرین و نقش این مهاجران در تحولات جامعه بحرین، با تکیه بـر نقـش و جایگـاه «خاندان بوشهری» در آن کشور در طول دو سده اخیر (به ویژه پیش از اسـتقلال ایـن کشور) بپردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن اسـت در سـده‌هـای ۱۹ و ۲۰م عـواملی چون قرابت جغرافیایی بوشهر با بحرین، موقعیـت مناسـب اقتصـادی بحـرین در خلـیج فارس، مشابهت‌های فرهنگی و مذهبی این دو سرزمین، موجـب مهـاجرت بسـیاری از مردم بوشهر به بحرین شـده‌اسـت. جمعیـت قابـل توجـه و توانمنـدی اقتصـادی ایـن مهاجران، سبب شده‌است که این مهاجران از گروه‌های بانفوذ و اثرگذار در عرصـه‌هـای مختلف جامعه بحرین باشند.

کلیدواژه‌ها: بحرین، بوشهر، خاندان بوشهری، مهاجران بوشهری.

---

۱. کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). farshid.lari.th@gmail.com
۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز. sajad.papi7214@gmail.com
۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس بوشهر. mansorimoghadam@pgu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۲/۲۴

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

مقدمه

از دیرباز تاکنون، گروه‌ها و افراد زیادی، برای رهایی از نارسایی‌های محل سکونت خویش و دستیابی به زندگی بهتر، به سرزمین‌های دیگر مهاجرت کرده‌اند. این مهاجرت‌ها بر اساس میزان بزرگی و کوچکی، سبب بروز تحولاتی در هر دو جامعه (مبدأ و مقصد)، به ویژه جامعه مقصد می‌شود. در دو سده اخیر بسیاری از مردم کرانه‌های شمالی خلیج فارس به ویژه منطقه بوشهر به دلیل موقعیت مناسب اقتصادی و تجاری بحرین، نزدیکی جغرافیایی و همچنین تشابهات فرهنگی مردم دو منطقه به بحرین[1] مهاجرت کرده‌اند. این مهاجران به‌سبب جمعیت قابل توجه و توانمندی اقتصادی فراوان خود، همواره از اقشار بانفوذ جامعه بحرین بوده‌اند. نمونه بارز این مهاجران خاندان بوشهری است. این خاندان در سال ۱۸٦۰م/۱۲٤۰ش هم زمان با بروز برخی مشکلات و مصائب در بوشهر از جمله فقر و مشکلات اقتصادی، به بحرین مهاجرت کردند. از بدو مهاجرت تاکنون عمده اعضای این خاندان در شهر منامه، پایتخت بحرین ساکن هستند. آنان در طول دو سده گذشته از یک سو به دلیل پیشرفت‌های تجاری و بازرگانی و از سوی دیگر به دلیل ارتباط بسیار نزدیک با حاکمیت بحرین، به یکی از خاندان‌های به اصطلاح «عجمی» پرنفوذ و تأثیرگذار در تحولات گوناگون آن سرزمین تبدیل شده‌اند.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش جامع و مستقلی درباره نقش مهاجران بوشهری به ویژه خاندان بوشهری، در تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بحرین به زبان فارسی

۱. بحرین مجمع الجزایر مرجانی متشکل از حدود ۳۵ جزیره کوچک و بزرگ در جنوب خلیج فارس است (افشار، ٦۹۳). این سرزمین قرن‌های متمادی بخشی از ایران بوده‌است. اما از سال ۱۸۲۰م/ ۱۱۹۸ش با گسترش استعمار انگلیس در خلیج فارس، حاکمیت ایران بر این سرزمین کم رنگ شد. با این حال، ایران همواره مدعی حاکمیت بر این منطقه بود. سرانجام در سال ۱۹۷۰م/ ۱۳٤۹ش دولت شاهنشاهی ایران موافقت خود را درباره تعیین تکلیف این سرزمین از طریق برگزاری همه پرسی از مردم این منطقه تحت نظر سازمان ملل اعلام کرد. این همه پرسی در ۱٤ اوت ۱۹۷۱/ ۲۳مرداد ۱۳۵۰ش رأی به جدایی از ایران داد و دولت شاهنشاهی ایران نیز بلافاصله آن را پذیرفت (تکمیل همایون، ٦٤).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

نگاشته نشده‌است؛ اما به زبان عربی آثاری در این باره منتشر شده‌است. از جمله این آثار می‌توان به کتاب *النخب فی الخلیج* [فارسی] (۲۰۱٦م) اشاره کرد. عبدالله احمد المدنی در این اثر ضمن معرفی برجسته‌ترین شخصیت‌های کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، به بررسی فعالیت‌های حاج علی‌کاظم بوشهری به عنوان یکی از چهره‌های برجسته و تأثیرگذار خاندان بوشهری در بحرین پرداخته است. از دیگر آثار منتشر شده به زبان عربی می‌توان به دو مقاله اشاره کرد: یکی مقاله محمد حمید السمان (۲۰۱۳م) با عنوان «تنظیم الماتم فی البحرین» که در روزنامه «الوسط» به چاپ رسیده است. مؤلف در این مقاله براساس سه سند قدیمی از خاندان بوشهری، که دو مورد از آنها به زبان انگلیسی و یکی به زبان فارسی نگاشته شده‌است به چگونگی احداث و اداره این حسینیه توسط این خاندان در طول سالیان گذشته می‌پردازد. دیگری مقاله «عمید العائله... شیخ العجم علی کاظم بوشهری» اثر عبدالله آل سیف (۲۰۱۰م) در روزنامه «الاحد» است که به معرفی مختصر و اقدامات تجاری خاندان علی کاظم بوشهری پرداخته است.

از میان تحقیقات پراکنده و تاحدودی مرتبط با پژوهش حاضر (به زبان انگلیسی) نیز می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

پایان نامه کارشناسی ارشد اریک مک کوی[1] در سال ۲۰۰۸م در دانشگاه آریزونا با نام «ایرانیان در بحرین و امارات متحده عربی؛ اقلیت، مهاجرت و هویت در کشورهای عربی خلیج فارس»[2]، مهاجرت ایرانیان به کشورهای عربی خلیج فارس را مورد واکاوی قرار داده است. وی در این اثر به صورت مختصر به نقش خاندان بوشهری در تحولات فرهنگی و مذهبی بحرین اشاره کرده است. پایان نامه دکتری لیندسی استیپ هنسن[3] در سال ۲۰۱۸م در دانشگاه پرینستون با نام «مرور مجدد خلیج فارس؛ گسترش شبکه‌های ایرانیان مهاجر از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹٤۰م»[4] از دیگر آثاری است که به نقش ایرانی‌تباران و به ویژه کارگران بوشهری در بخش‌های عمرانی کویت و بحرین پرداخته است. با این

1. Eric Andrew McCoy
2. Iranians in Bahrain and the United Arab Emirates: Migration, Minorities, and Identities in the Persian Gulf Arab States.
3. Lindsey R. Stephenson
4. REROUTING THE PERSIAN GULF:THE TRANSNATIONALIZATION OF IRANIAN MIGRANT NETWORKS, c.1900-1940.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

همه مؤلف به نقش و تأثیر آنان در مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی اشاره‌ای نکرده‌است. شایان ذکر است که در آثار انگلیسی فوق الذکر نیز به صورت مجزا و منسجم به نقش مهاجران بوشهری در تحولات فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور بحرین اشاره نشده‌است. این مقاله به شیوه توصیفی ـ تحلیلی برای پاسخگویی به سوالات زیر سامان یافته است:

– دلایل مهاجرت مردم بوشهر به بحرین چه بوده‌است؟

– مهاجران بوشهری چه نقشی در تحولات اقتصادی و فرهنگی ـ مذهبی و حتی سیاسی بحرین در دو سده گذاشته داشته‌اند؟

با توجه به پیشینیه بالا و به منظور پاسخ به سوالات پژوهش، این فرضیات به آزمون گذاشته شده‌است:

۱) موقعیت و قرابت جغرافیایی بحرین و بوشهر عامل اصلی مهاجرت مردم به بحرین بوده‌است. در کنار آن عواملی چون موقعیت مساعد تجاری و اقتصادی بحرین و تشابهات فرهنگی مردم دو سرزمین در این مهاجرت تأثیرگذار بوده‌است.

۲) مهاجران بوشهری با فعالیت‌های اقتصادی و تجاری خود، نقش بسزایی در رونق و ارتقا جایگاه ایرانی‌تباران در بحرین داشتند. نمونه بارز این مهاجران خاندان بوشهری است. نقش برجسته اقتصادی این خاندان در بحرین، سبب شده‌است تا در تحولات فرهنگی، مذهبی و حتی سیاسی و اجتماعی بحرین نیز اثرگذار باشند. این اثرگذاری در ارتباط با شیعیان و ایرانی‌تباران پررنگ‌تر است.

۱- پیشینه حضور ایرانیان در بحرین

ایرانیان از یک سو به سبب نفوذ حاکمیت ایران در طول تاریخ این سرزمین و از سویی دیگر به دلیل موقعیت تجاری و سوق الجیشی بحرین، قرن‌ها و شاید هزاران سال در این سرزمین حضور داشته‌اند. ایرج افشار دراین باره می‌نویسد: «ایرانیان ساکن در بحرین زیادند... آداب و رسوم، خط، زبان و علاقه و ایمان خود را به ایران عزیز حفظ کرده‌اند... روزگاری ایرانی‌ها در بحرین اکثریت داشتند، ولی به مرور زمان همه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

ایرانی‌ها ناچار شدند تابعیت بحرین را بپذیرند؛ اما هنوز هم زبان فارسی را فراموش نکرده و در خانواده‌های خود به زبان فارسی سخن می‌گویند» (افشار، ۷۰۸). اسکندر دلدم نیز می‌نویسد: «اکثر اهالی بومی بحرین از نژاد ایرانی و پیرو مذهب شیعه‌اند. حتی بسیاری در گذشته‌های نه چندان دور با زبان عربی آشنایی نداشته و به فارسی نزدیک به کردی سخن می‌گفتند. آنها هنوز لهجه خود را حتی در مکالمه‌های عربی نیز حفظ نموده‌اند. شایان ذکر است که بسیاری از نام‌های اماکن مانند منامه (منعمه) و سیماهیج (معرب سیم‌ماهی) فارسی است» (دلدم، ١٤٤-١٤٣).

بحرین به سبب موقعیت جغرافیایی مناسب، منابع غنی و سرشار، تساهل و تسامح مردمانش، همواره مأمن و مکان مناسبی برای مهاجران بوده‌است. یکی از قدیمی‌ترین گروه‌های مهاجر در بحرین «عجمی‌ها» هستند. این واژه برای شهروندان بحرینی با اصالتی ایرانی استفاده می‌شود. خاندان‌هایی نظیر بوشهری، کازرونی، آل شریف، کربلایی عوض، دیلمی، بلجیک، دیری، اسیری، دیوانی، اسفندیار، رویان، دشتی، اخترزاده، آغا، فردوسی، ترک و همچنین جهرمی‌ها، گراشی‌ها، اسیری‌ها و مینایی‌ها از ایرانی‌تباران صاحب نام در جامعه بحرین هستند (آل سیف، ۷). ایرانی‌تباران برای بحرین از یک سو به عنوان یک جمعیت قابل توجه و تأثیرگذار و از سوی دیگر به عنوان محافظان تاریخی این سرزمین در برابر تجاوزات خارجی محسوب می‌شوند. مهاجرت برخی از آنها در دوران معاصر به بحرین، قدمت و سابقه تاریخی حضور آنان در این سرزمین را نفی نمی‌کند. آنان علی‌رغم برخی تفاوت‌های قومی و مذهبی، مانند اعراب بحرینی هستند که به حضور تاریخی خود در بحرین افتخار می‌کنند (سعید، «العجم و البحرین»). علی اکبر بوشهری درباره جمعیت ایرانی تباران در بحرین می‌گوید: هیچ‌گونه آمار رسمی از تعداد ایرانی‌تباران در کشور بحرین وجود ندارد. جمعیت آنها در سال ۱۹۰۵م/ ١٢٨٤ش به ١٦٥٠ می‌رسید؛ اما در حال حاضر با توجه به منابع غیررسمی به نظر می‌رسد آنان جمیتی بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر را در بحرین تشکیل می‌دهند. یعنی آنها ۲۰ درصد جمعیت بحرین را به خود اختصاص داده‌اند (سنوات الجریش، ۲۰۰۹).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

۲- علل مهاجرت مردم بوشهر به بحرین در دو سده اخیر

مهاجرت مردم منطقه بوشهر به بحرین برآیند عوامل مختلفی است. این عوامل به ترتیب اهمیت عبارت اند از:

۱. قرابت و نزدیکی جغرافیایی

۲. موقعیت مناسب اقتصادی بحرین

۳. تشابهات فرهنگی-مذهبی بوشهر و بحرین

۲-۱. قرابت و نزدیکی جغرافیایی

بین مسافت و میزان مهاجرت رابطه بسیار عمیقی وجود دارد. به طوری که هر چه فاصله جغرافیایی کمتر باشد میزان و انگیزه مهاجرت افزایش می‌یابد. در طول تاریخ نیز قرابت‌های جغرافیایی و اقلیمی نقش مهمی در مهاجرت اقوام و ملل مختلف داشته و عامل «مکان» از عوامل تعیین کننده مهاجرت بوده‌است. برهمین اساس قرابت جغرافیایی بوشهر و بحرین باعث حفظ پیوستگی دو سرزمین و سهولت رفت و آمد و یا مهاجرت مردم دو منطقه شده‌است. قرابت جغرافیایی و اقلیمی کرانه‌های شمالی و خلیج فارس در دوره اسلامی موجب شده‌است مردم این نواحی همواره با بروز مشکلات اقتصادی، سیاسی و مذهبی به سرزمین‌های یکدیگر مهاجرت کنند (لوریمر، ۲۰۳). بحرین و بوشهر نیز به دلیل نزدیکی، همواره پذیرای مهاجران یکدیگر بوده‌اند. بندربوشهر نزدیکترین شهر ایران به بحرین است. (شاملوئی، ۱/ ۱۶۳). از بوشهر تا بحرین راه دریائی نسبتاً کوتاهی وجود دارد (اقتداری، ۱۹۲). همین امر سبب شد بارها قبایل عربی نیز از سواحل جنوبی، عمان و عربستان به منطقه بوشهر مهاجرت کنند (حسینی فسایی، ۱۳۲۱/۲) و بالعکس مردمانی از بوشهر به مناطق ساحلی جنوب خلیج فارس و مشخصاً بحرین مهاجرت کنند. یک روزنامه‌نگار بحرینی با تأکید بر همین مسافت کم بوشهر تا بحرین، این امر را عامل اصلی شمار فراوان مهاجران بوشهری به بحرین به ویژه در سال‌های ٤٠ – ۱۹۲۰م/ ۱۳۱۹ – ۱۲۹۹ش می‌داند (المدنی، کبیر العجم فی البحرین، ۱). حسن دشتی یکی از مهاجران بوشهری که سالیان زیادی را در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

بحرین به سر برده است نیز همین مورد را مهمترین عامل مهاجرت مردم منطقه بوشهر به بحرین می‌داند و می‌گوید: از بندر بوشهر تا لنگرگاه بحرین ۳۶۱ کیلومتر فاصله وجود دارد. فاصله بسیار نزدیک بحرین به بنادر بوشهر باعث شد تا بسیاری از مردمان این ناحیه برای خرید روزانه و خدمات پزشکی به کشور بحرین بروند و بعدها این کشور را برای زندگی انتخاب کنند. شمار فراوان مردمان نواحی گوناگون استان بوشهر در کشور بحرین نیز تحت تأثیر همین قرابت جغرافیایی این دو ناحیه است (دشتی، مصاحبه مورخ ۲۷ دی ۱۳۹۹).

۲-۲. موقعیت اقتصادی مناسب بحرین

یکی از علل مهاجرت مردم بوشهر به کرانه‌های جنوبی خلیج فارس به‌ویژه بحرین، محرومیت‌های اقتصادی منطقه بوشهر و وضعیت مساعد اقتصادی و تجاری بحرین بوده‌است. حسن دشتی در این باره آورده است: آشنایی مردم بوشهر با امر دریانوردی و وجود فرصت‌های شغلی در سواحل جنوبی خلیج فارس سبب شده‌است تا مردم استان بوشهر به آن نواحی مهاجرت کنند. این امر در مورد بسیاری از خانواده‌های سرشناس بوشهری در کشور بحرین مانند خانواده‌های رویان، دشتی، دشتستانی، بردستانی، دیری و خاندان بوشهری صادق است (دشتی، مصاحبه مورخ ۱ بهمن ۱۳۹۹).

بنابراین، تعداد زیادی از مردم بوشهر به بحرین مهاجرت می‌کردند تا در آن جا زندگی بهتری برای خود و خانواده‌شان فراهم کنند. عبدالله آل سیف، روزنامه نگار بحرینی با تأکید بر وجود تنگناهای اقتصادی در بوشهر و تأثیر آن بر مهاجرت علی‌کاظم بوشهری (جد خاندان بوشهری) آورده است: به سبب وجود فقر و مشکلات اقتصادی در بوشهر و همچنین تمایل و علاقه علی‌کاظم بوشهری به امر تجارت و بازرگانی، سبب شد که وی مغازه کوچک خود در شهر بوشهر را ترک و در سال ۱۸۶۰م/ ۱۲۳۹ش به کشور بحرین مهاجرت کند. بحرین در آن زمان به دلیل رونق فعالیت بازرگانی شرایط بهتری نسبت به بوشهر داشت (آل سیف، ۷).

فرایند مهاجرت از کرانه شمالی به کرانه جنوبی خلیج فارس در پی تحولات سیاسی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

و بین‌المللی مانند جنگ‌های جهانی اول و دوم و شدت گرفتن مشکلات اقتصادی نظیر فقر، قحطی، شیوع بیماری‌های واگیر (وبا و آبله) و همچنین بروز بی‌ثباتی و ناامنی‌های اجتماعی و سیاسی در ایران افزایش یافت. در واقع، این وقایع و کمبودها و نارسایی‌ها سبب مهاجرت فزاینده به سرزمین بحرین شد؛ زیرا بحرین توانسته بود با جیره‌بندی مواد غذایی، گرفتاری‌ها را تا حدود زیادی کاهش دهد (یاپ، ۵۲). در نتیجه بسیاری از مردم بوشهر برای رهایی از تنگاهای اقتصادی وطن خویش، به بحرین که در همسایگی آنان قرار داشت، مهاجرت کردند (mccoy,60).

۲-۳. تشابهات فرهنگی-مذهبی بوشهر و بحرین

شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در کاهش خطرات عبور از مرزها در مهاجرت‌های بین‌المللی دارد. این شبکه‌ها سبب دسترسی افراد به اطلاعات دربارهٔ موقعیت‌های کاری و وضعیت اقتصادی جامعه مقصد می‌شود. مهاجران ترجیح می‌دهند منطقه‌ای را برای مهاجرت برگزینند که به زبان آن منطقه تسلط داشته و با فرهنگ آنجا آشنا باشند. این عوامل موجب ایجاد احساس وابستگی، دلبستگی و تعلق خاطر به سرزمین مقصد می‌شود (حاج‌حسینی، ۳۷). بنابراین، در کنار عوامل جغرافیایی و اقتصادی، مشابهت‌های فرهنگی نیز نقش بسزایی در مهاجرت‌ها دارند. تشابه فرهنگی مردم بوشهر و بحرین و رفت و آمد مردمان آن به سرزمین یکدیگر، نقش مهمی در مهاجرت مردم منطقه بوشهر به بحرین داشته است. مردم سواحل و بنادر شمالیِ خلیج فارس و به طور اخص بندر بوشهر از دیرباز روابط تنگاتنگ و حتی پیوندهای خویشاوندی با سواحل جنوبی آن به ویژه با سرزمین بحرین داشته‌اند. حضور پررنگ برخی از خاندان‌های برجسته عرب بحرینی در بوشهر مانند آل عصفور، سادات بحرانی، دمستانی، خاندان بحرینی و شاخوری نشان ارتباط نزدیک مردمان این دو سرزمین است. عباس اقبال آشتیانی با تأکید بر نفوذ فرهنگ ایرانی در بحرین می‌نویسد: «گذشته از اعراب آل عتوب که در بحرین ساکن بودند، بیشتر اهالی خاکزاد بحرین از نژاد ایرانی و پیرو مذهب شیعه‌اند و تکلم غالب ایشان به زبان عربی به هیچ

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

وجه نمی‌تواند دلیل عرب بودن آنها شمرده شود. دلیل اصلی این موضوع، مجاورت با عربستان، تجارت، خلط و آمیزش با عرب به خصوص وقتی که هیئت حاکمه و مأمورین ادارات به زبان عربی مکالمه و مکاتبه کنند، زبان عامه را عربی کرده است. با این حال کمتر عرب‌زبان بحرینی هست که با کتاب‌های ادب فارسی سر و کار نداشته و از فارسی بی نصیب باشد» (اقبال آشتیانی، ۱٤۸). وی به ویژه بر پیوستگی فرهنگی بحرین با منطقه بوشهر تأکید می‌کند و می‌نویسد: مسافری که از بنادر ایران به طور نمونه از بوشهر به بحرین وارد شود، خود را در وطن خویش می‌بیند و به غیر از مأمورین انگلیسی و هندی ادارات، هیچ فرقی میان بوشهر و منامه و محرق از حیث نوع معیشت نمی‌یابد. بیشتر سکنه و تجار ایرانی آن، به همان اخلاق و عادات منسوب ایرانیان در کمال علاقه و عشق زیست می‌کنند (اقبال آشتیانی، ۱٤۹). به سبب نزدیکی این منطقه به ایران و همچنین حضور چشمگیر و تأثیرگذار مردمان استان بوشهر در کشور بحرین، موجب شده تا بسیاری از آداب و رسوم مردم بوشهر در آن سرزمین وجود داشته باشد. به طور مثال مراسم عزاداری و لهجه بوشهری در بین ایرانی‌تباران بحرین بسیار مرسوم است. افزون بر این، مردمان منطقه بوشهر بسیار سریعتر از دیگر مهاجران زبان عربی را می‌آموختند که این امر مؤید و مبین آشنایی سابق آنان با این زبان و تأثیر حضور همیشگی اعراب و همچنین آمد و شد مردمان سواحل جنوبی خلیج فارس به بندر بوشهر بوده‌است (بردستانی، مصاحبه مورخ ۱۵ بهمن ۱۳۹۹). لذا همین جاذبه و اشتراکات فرهنگی، در طول دو سده گذشته سرزمین بحرین را به مأمن مناسبی برای مهاجران بوشهری تبدیل کرده است.

۳- مهاجرت خاندان بوشهری به بحرین و نقش آنان در جامعه بحرین

نمونه بارز مهاجران بوشهری ساکن بحرین، خاندان سرشناس بوشهری است. این خاندان از اعقاب علی‌کاظم بوشهری و پسرعمه‌اش عبدالنبی بوشهری هستند. علی کاظم در سال ۱۸٦۰م/ ۱۲۳۹ش مغازه کوچک خود در بوشهر را رها و به بحرین مهاجرت کرد. در آن ایام شرایط بحرین برای تجارت و بارزگانی مناسب‌تر از بوشهر

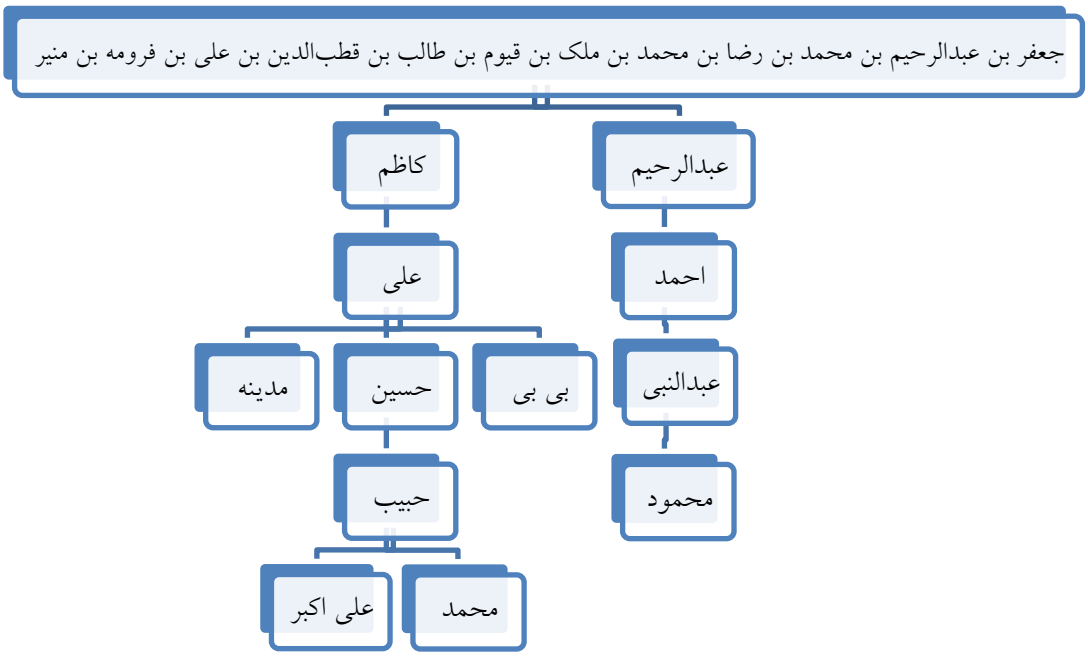
[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

بود (آل سیف، ۷). علی‌کاظم بوشهری فرزند کاظم بن جعفر بن عبدالرحیم بن محمد بن رضا بن محمد بن ملک بن قیوم بن طالب بن قطب‌الدین بن علی بن فرومه بن منیر است. وجود نام قطب‌الدین در میان این نسب، نشانگر آن است که این خاندان گرایش دینی صوفیانه نیز داشته‌اند» (آل سیف، ۷). لقب «بوشهری»[1] این خاندان نیز بیانگر اصالت و تعلق این خاندان به بندر بوشهر است (المدنی، *النخب فی الخلیج*، ۵۳۵). علی‌کاظم و عبدالنبی بعد از مهاجرت در منامه (پایتخت بحرین) ساکن شدند. آنان در این شهر به تجارت مشغول و از تجار سرشناس این شهر در اواخر سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰م در بحرین شدند. پس از آنان نیز فرزندانش، اغلب راه پدران خود را در تجارت و بازرگانی ادامه دادند و تجارت کوچک آنان را توسعه دادند و در زمینه‌های مختلف اقتصادی مانند شرکت‌های تجاری، ساختمان سازی و مشاغلی از این قبیل فعالیت کردند. برخی از آنان مانند محمود بوشهری (پسر عبدالنبی) به یک تاجر بین المللی تبدیل شده و در اوایل سده بیستم یک شبکه منسجم تجاری بین بمبئ ـ بوشهر و بحرین ایجاد کردند (Stephenson,Rerouting the Persian Gulf,93-94). این خاندان از موقعیت برجسته اقتصادی خود در بحرین استفاده کردند و در عرصه‌های مختلف اجتماعی، دینی، فرهنگی و حتی سیاسی جامعه بحرین (قبل و بعد از استقلال از ایران) وارد شدند و خدمات زیادی به جامعه بحرین به ویژه ایرانی‌تباران و شیعیان آن کشور کردند. البته به نظر می‌آید بعد از استقلال بحرین، به دلیل سیاست دولت آل خلیفه (حاکمان بحرین) مبنی بر محدود کردن نقش شیعیان و به ویژه ایرانی‌تباران در بحرین، نقش و جایگاه این خاندان در بحرین کم‌رنگ شده‌است؛ با این همه به طور کامل به حاشیه نرفته و هنوز هم از خاندان‌های بانفوذ در این کشور محسوب می‌شود.

۱. شاخه‌ی دیگری از این خاندان به کویت مهاجرت کرده و در آن کشور نیز نقش برجسته‌ای دارند. حضور چند وزیر از این خاندان در کابینه دولت کویت و تعدادی نماینده در مجلس نمایندگان کویت، گواه نفوذ و اهمیت آنان در کویت است (المدنی، *النخب فی الخلیج*، ۵۳۶).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

شجرنامه خاندان بوشهری[1]



در ادامه به نقش این خاندان (به عنوان نمونه بارز مهاجران بوشهری) در تحولات مختلف کشور بحرین می‌پردازیم.

۳-۱. فعالیت‌های اقتصادی

علی‌کاظم بوشهری (۱۸۴۰-۱۹۳۷م) پس از مهاجرت به بحرین در سال ۱۸۶۰م/ ۱۲۳۹ش ابتدا به کارگری پرداخت. او پس از مدتی توانست یک باب مغازه در سوق العجم[2] افتتاح کند و در آنجا به فروش مواد غذایی وارداتی از ایران، هند و کویت

۱. این شجره‌نامه استباط نگارنده از اطلاعات پراکنده منابع مختلف است. لذا نگارنده مدعی صحت قطعی آن نیست. ضمناً در این شجره‌نامه تنها نام افراد مشهور و مورد اشاره در این مقاله آورده شده‌است و از سایر فرزندان و نوادگان این خاندان نامی برده نشده‌است.

۲. سوق العجم (بازار ایرانیان) یا بازار گراشی‌ها یکی از بازارهای مشهور پایتخت بحرین بوده‌است. کسبه این بازار، مواد غذایی مانند ادویه‌جات، ترشیجات، آجیل، زعفران و انواع کالاهای ایرانی را می‌فروختند. این بازار امروزه عمدتاً محلی برای فروش آجیل و خشکبار و دیگر کالاها و اجناس ایرانی است. از مهم‌ترین خانواده‌های ایرانی‌تبار فعال در این بازار می‌توان به خانواده: خاندان‌های بوشهری، بلجیک و کازرونی اشاره کرد. علی‌کاظم و پسرش حاج‌حسین

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

پرداخت. او علی‌رغم اینکه سوادی نداشت، تمام این فعالیت‌ها را به تنهایی انجام می‌داد. با این حال فقط در مکاتبات و محاسبات خارجی خود از حسابداران و دفترداران هندی کمک می‌گرفت. یکی از دلایل پیشرفت وی و خانواده‌اش، علاقه آنان به خرید املاک و مستغلات است. برهمین اساس در زمانی که خانه و زمین ارزان بود، به محض داشتن درآمد اندکی در بازار، ملک می‌خرید (آل سیف، ۷). حاج عبدالنبی بوشهری و پسرش محمود نیز از جمله کسانی بودند که در بازار عجم فعالیت تجاری داشته است. استیپ هنسن از محمود بوشهری به عنوان تاجری که نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد یک شبکه تجاری منسجم بین بمبئ ـ بوشهر و بحرین در اوایل قرن بیستم داشته است، نام می‌برد (Stephenson,Rerouting the Persian Gulf,93-94). اریک مک کوی نیز معتقد است: مهاجران بوشهری در بحرین باعث افزایش واردات کالاهای خاص مانند کتاب، گلاب، چای و مشروبات الکلی به بحرین شدند که این امر آنها را از عرب‌های محلی جدا می‌کرد (McCoy, 60). بنابراین، نسل اول و دوم خاندان بوشهری علاوه بر کسب درآمد از طریق تجارت و بازرگانی به خرید املاک و مستغلات نیز می‌پرداختند. از فعالیت‌های اقتصادی نسل‌های بعدی این خاندان در امر تجارت، اطلاعات دقیقی در دست نیست.

۳-۲. فعالیت‌های فرهنگی-مذهبی

مهمترین فعالیت فرهنگی خاندان بوشهری در بحرین، نقش آنان در تأسیس مدارس ایرانی است. در آغاز قرن بیستم گروهی از بازرگانان ایرانی مقیم بحرین برای ترویج علم و دانش و زنده نگه داشتن فرهنگ و زبان فارسی مدرسه‌ای به نام «مدرسهٔ اتحادیه ایرانیان بحرین» به مدیریت میرزا علی عبدالرضا دشتی[۱] در منامه تأسیس کردند. این مدرسه دومین مدرسه عمومی در بحرین است.[۲] اغلب بنیانگذار این مدرسه مانند عبدالنبی

بوشهری از مشهورترین کسبه این بازار در دهه ۶۰م بودند (حکایه المنامه، ۲۰۱۸).

۱. از نام خانوادگی وی پیداست اهل منطقه دشتی استان بوشهر بوده‌است.

۲. در سال ۱۸۹۹م امریکایی‌ها اولین مدرسه عمومی در بحرین را به نام مدرسه رسالت تأسیس کردند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

بوشهری، میرزا حسین دشتی، عباس حاجی بوشهری بوشهری هستند.[1] این مدرسه چهارکلاسه، دارای ٦٥ دانش‌آموز بود. معلمان آن مدرسه، محمد آل شریف بوشهری،[2] عبدالرسول بوشهری و ضیائالدین طهرانی بودند (پرویش، ٦١). در ابتدا کلاس‌های درس این مدرسه به دلیل نداشتن ساختمان مجزا در حسینیه ایرانیان در منامه برگزار می‌شد (الخلیفه، ١١٢–١٠٩). عبدالنبی بوشهری به عنوان یکی از اعضای هیئت مدیره این مدرسه بعد از فوت عبدالنبی کازرونی در سال ١٩٢٧م، برای تسلط بر هیئت مدیره تلاش بسیاری کرد؛ اما موفقیت چندانی به دست نیاورد. لذا از هیئت مدیره این مدرسه استعفا داد و مدرسه جدیدی با نام «مدرسه تربیت» تأسیس کرد. این مدرسه در بحرین به نام «مدرسه بوشهری» نیز مشهور بود (Stephenson, Between Modern and National Education, 8). این اقدام عبدالنبی بوشهری، با واکنش منفی مؤسس مدرسه اتحادیه ایرانیان روبرو شد. آنها حاج عبدالنبی بوشهری را فردی دروغگو، ضد ترقی و دشمن معارف و نام ایرانی قلمداد کردند. از نظر آنان، هدف عبدالنبی بوشهری از این کار، ایجاد اختلاف بین ایرانیان بحرین و از بین بردن مدرسه اتحادیه بود. با وجود این، هر دو مدرسه به کار خود ادامه دادند (پرویش، ٦٤). حاج حیدر اسیری در فاصله سال‌های ١٩٢٩ تا ١٩٣٠م/ ١٣٠٨ – ١٣٠٧ش مدیریت مدرسه تربیت را برعهده داشت. در طول این سال‌ها کلاس درس این مدرسه در منزل شخصی عبدالنبی بوشهری برگزار می‌شد. سرانجام در سال ١٩٣١م/ ١٣٠٩ش دو مدرسه در یکدیگر ادغام شدند و مدرسه «اتحاد ملی» را تشکیل دادند (الخلیفه، ١١٣). این مدرسه بعد از استقلال بحرین از ایران، زیرنظر سفارت ایران در بحرین قرار گرفت و از آن به عنوان مدرسه آموزش فرزندان کارمندان سفارت ایران و متخصصان ایرانی مقیم آن کشور استفاده می‌شد. با کاهش روزافزون سطح روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میان ایران و بحرین، سرانجام در سال ٢٠٠٤م/ ١٣٨٣ش دولت

١. از بنیانگذاران غیربوشهری این گروه نیز می‌توان به عبدالنبی کازرونی، ابوالقاسم لطفعلی شیرازی،ضیائالدین میرزاطهرانی اشاره کرد.

٢. محمد آل شریف بوشهری از دیگر خانواده‌های بوشهری‌تبار ساکن بحرین است و هیچ گونه ارتباط نسبی با خاندان بوشهری ندارد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

بحرین ساختمان این مدرسه را به فروش رساند و وجوه حاصل را به خزانه واریز کرد. این پایان کار «مدرسه اتحاد ملی» بود (صباغیان، ۱۲۲).

رضا نجف پور بوشهری یکی از کسبه قدیمی شهر بوشهر که از بستگان نسبی خاندان بوشهری است براساس چند تصویر قدیمی از این خاندان، به فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی نسل ششم خاندان بوشهری در بحرین اشاره می‌کند و می‌گوید: «از دیگر فعالیت‌های فرهنگی خاندان بوشهری، می‌توان به مشارکت در تأسیس باشگاه‌های ورزشی مانند باشگاه فوتبال فردوسی بحرین (۱۹٤٦م/ ۱۳۲۵ش) اشاره کرد. یکی از اعضای این خاندان به نام علی بوشهری در سال ۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش، باشگاه گلف بحرین را تأسیس کرد (نجف‌پور، مصاحبه مورخ ۸ بهمن ۱۳۹۹). یکی از مفاخر فرهنگی این خاندان، علی اکبر بوشهری (متولد ۱۹۵۳م) است. وی از مورخان برجسته بحرین و از شخصیت‌های شاخص فرهنگی در این کشور است و کتاب‌ها و مقالات بسیاری درباره تاریخ بحرین تألیف کرده است که مهمترین آن، *تمدن دیلمون* است (ابواصبع، ۳٤). از دیگر آثار مهم می‌توان به *التاریخ القدیم للبحرین و الخلیج* [فارسی] (۱۹۸۷م) و *دلمون تبعث من جدید* (۱۹۹٤م) اشاره کرد (ابواصبع، ۳٤). دکتر رسول جعفریان در سفر خود به بحرین در سال ۲۰۰۸م/ ۱۳۸۷ش، به ملاقات خود با علی‌اکبر بوشهری اشاره کرده و می‌نویسد: در آن‌جا آقای علی‌اکبر بوشهری را دیدیم که کارش تحقیق در تاریخ بحرین است.... به گفته خودش تاکنون پنج کتاب درباره بحرین در عربی و انگلیسی به چاپ رسانده و بیش از چهل مقاله دارد... فارسی را با همان لهجه عربی بحرینی صحبت می‌کند... بیشتر کار وی روی دوره باستانی تاریخ بحرین و همین طور تاریخ جدید آن به خصوص تاریخ خانواده‌هاست... همین طور درباره لهجه ایرانی‌های مقیم بحرین هم کاری انجام می‌دهد (راسخون، ۱۳۸۷ش). علی اکبر بوشهری هم اکنون نیز در قید حیات است و به فعالیت‌های فرهنگی و پژوهشی خود در بحرین ادامه می‌دهد.

شایان ذکر است خاندان بوشهری از هنگام مهاجرت (۱۸٦۰م) تاکنون در فعالیت‌های مذهبی مرتبط با شیعیان بحرین و مهاجران ایرانی حضور چشمگیری دارند. از دیگر اقدامات بسیار مهم خاندان بوشهری، تأسیس و اداره حسینیه بزرگ ایرانیان یا «ماتم العجم

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

الکبیر[1]» است. این حسینیه، دومین حسینیه کشور بحرین محسوب می‌شود.[2] علی‌کاظم بوشهری این حسینیه را در سال ۱۸۸۱م/ ۱۲٦۰ش در مجاورت حسینیه «بن رجب» تأسیس کرد. این حسینیه، مکانی مخصوص برای ایرانی‌تباران شیعه است. زمین این حسینیه متعلق به یکی از بوشهری‌های مقیم بحرین بود که تا قبل از سال ۱۸٦۹م/ ۱۲٤۸ش در بحرین زندگی می‌کرد. وی این زمین را وقف احداث حسینیه کرد و اختیار آن را به علی کاظم واگذار کرد. ایرانی‌تباران مقیم بحرین به رهبری علی کاظم این حسینیه را که نخستین ماتم بوشهری بود، تأسیس کردند، اما بعد از گذشت چند سال این حسینیه به «ماتم العجم» تغییر نام داد (آل سیف، ۷). علی کاظم بوشهری وظیفه تولیت این نهاد را از ۱۸٦۷م/ ۱۲٤٦ش تا ۱۹۲٦م/ ۱۳۰۵ش برعهده داشت و سپس تولیت آن را به حاج عبدالنبی بوشهری (پسرعمه خویش) واگذار کرد. در دوران تولیت عبدالنبی بوشهری، مراسم عزاداری با سبک و سیاق جدیدتری در بحرین برگزارشد. بعد از فوت عبدالنبی در سال ۱۹۳۸م/ ۱۳۱۷ش، تولیت حسینیه به نسل دوم خاندان بوشهری انتقال یافت. محمود بوشهری با همکاری پسر عموی خود حسین بوشهری (پسرعلی‌کاظم) مدیریت این مکان را برعهده گرفتند (بوشهری، ٦). براساس سند قدیمی که در روزنامه الوسط بحرین نیز منتشر شده‌است، حاج حسین علی کاظم بوشهری مسئولیت امور مالی این حسینیه را در سال ۱۹۵۲م برعهده داشته است (السلمان، ١٤). سایر مهاجران ایرانی مقیم بحرین نظیر ابوالقاسم شیرازی، حسن برازجانی، حسن محمد علی بلجیک، ممد طاهر آل شریف، عباس کازرونی، عبدالعلی بدر، میرزاعلی جوهری، جعفر رویان و میرزاعباس شیرازی نیز در برگزاری و حمایت‌های مادی از این حسینیه نقش داشتند (المدنی، *النخب فی الخلیج*، ۵۳٦). در نیمه اول قرن بیستم، این حسینیه نقش زیادی در ایجاد و حفظ پیوندهای مذهبی با ایران داشت. تا قبل از استقلال بحرین (۱۹۷۱م) روحانیون بسیاری از قم، شیراز

۱. ماتم در لغت به معنای عزا، سوگواری و عزاداری و در اصطلاح به معنای حسینیه‌ها و اماکن عزاداری است. در بحرین و بوشهر به حسینیه، ماتم می‌گویند.

۲. قدیمی‌ترین حسینیه بحرین توسط خانواده «بن رجب» در حدود ۲۵۰ سال پیش در منامه تأسیس شد. این حسینیه در مجاورت خانه بن رجب برگزار می‌شد و همچنان دایر است (آل سیف، ۷).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

و بوشهر برای سخنرانی به این حسینیه آمده و مورد احترام بارزگانان ایرانی‌تبار واقع می‌شدند. از مهم‌ترین فعالیت‌های مذهبی این حسینیه، می‌توان به برگزاری مراسم عزادرای در ماه محرم و صفر اشاره کرد. همچنین شب‌های پنجشنبه هر هفته مراسم تلاوت قرآن با حضور ایرانی‌تباران برگزار می‌شود (Cohen, 16-17). شایان ذکر است در سال ۲۰۱۰م/ ۱۳۸۹ش مراسمی با هدف بزرگداشت و قدردانی از خانواده‌هایی که در تأسیس این حسینیه نقش برجسته‌ای داشتند، برگزار شد. علی بوشهری هدف از این مراسم را زنده نگه داشتن نام کسانی می‌دانست که سالیان متمادی در احداث و برگزاری مراسم گوناگون در این حسینیه نقش داشتند (الوسط، ۲۰۱۰). از دیگر اقدامات مذهبی و فرهنگی خاندان بوشهری، تأسیس حسینیه زنان یا «ماتم للنساء بوشهری» است. این حسنیه یکی از قدیمی‌ترین حسینیه‌های زنان در بحرین به شمار می‌رود. به گفته وسام السبع روزنامه‌نگار بحرینی عزاداری زنان بوشهری از زمان عبدالنبی بوشهری برگزار شد، اما بعدها به پیشنهاد علی‌کاظم در کنار خانه عبدالنبی حسینیه‌ای مجزا برای زنان تأسیس کردند. بعد از فوت علی‌کاظم، همسرش زهرا بوشهری و بعد از فوت وی، دخترانش حاجیه بی‌بی و مدینه تولیت این حسینیه را بر عهده گرفتند (مرایا التراث، ۲۰۱۳).

۳-۳. فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی

خاندان بوشهری به سبب برخورداری از ثروت و جایگاه اقتصادی مطلوب، از ابتدا نقش نسبتاً پررنگی در فعالیت اجتماعی و حتی سیاسی بحرین ایفا کرده‌اند. آنها با حفظ هویت ایرانی و شیعی، سعی کردند برای تثبیت موقعیت اقتصادی خود، روابط نزدیکی با زمامداران بحرین (انگلیسی‌ها و خاندان آل خلیفه) برقرار کنند. علی کاظم بوشهری سالیان متمادی در جریان منازعات و اختلافات فیمابین ایرانی‌تباران یا منازعات میان آنها با بحرینی‌ها به عنوان نماینده دولت بحرین(آل خلیفه) حضور داشت. حاج محمد امین بوشهری[1] از سال ۱۸۹۱م/ ۱۲۷۰ش به مدت دوسال به عنوان معتمد محلی از سوی انگلیسی‌ها منصوب شد. پسر علی‌کاظم یعنی حسین بوشهری (متوفای ۲۰۰۰م) نیز از

۱. نسبت او با علی کاظم مشخص نیست.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

سال ۱۹۲۰م/ ۱۲۹۹ش تا ۱۹۵٦م/ ۱۳۳۵ش عضو شورای شهر منامه بوده‌است (یتیم، ۸۷).

بعد از استقلال بحرین در سال ۱۹۷۱م/ ۱۳۵۰ش حضور این خاندان در عرصه سیاسی و اجتماعی کم‌رنگ شده‌است. در دهه‌های اخیر این خاندان جز چند تلاش ناموفق جهت ورود به پارلمان، هیچ گونه فعالیت چشمگیر سیاسی نداشته‌اند. به عنوان نمونه محمد بوشهری در سال ۲۰۱۸م/۱۳۹۷ش به عنوان کاندیدای مستقل وارد کارزار انتخابات پارلمان شد؛ اما از راهیابی به پارلمان این کشور بازماند (الوطن، ۲۰۱۸). احتمالاً این امر ناشی از سیاست‌های دولت آل خلیفه مبنی بر به حاشیه راندن شیعیان و به خصوص ایرانی‌تباران در جامعه بحرین است. البته ظاهراً این خاندان برای حفظ موقعیت ممتاز اقتصادی خویش در بحرین، سیاست محافظه‌کارانه‌ای در برابر دولت این کشور در پیش گرفته‌اند، یعنی از یک سو تلاش می‌کنند هویت شیعی و ایرانی خود و سایر هم‌تباران خود را زنده نگه دارند از سوی دیگر از هرگونه مخالفت سیاسی با دولت بحرین خودداری می‌کنند و سعی می‌کنند روابط حسنه خویش را با خاندان حاکم حفظ کنند. برای نمونه در جریان بیداری اسلامی در سال ۲۰۱٤م/ ۱۳۹۳ش این خاندان برخلاف بسیاری از شیعیان از ابراز مخالفت علنی با دولت آل خلیفه خودداری کرد؛ در پایان اعتراضات نیز پادشاه بحرین با صدور بیانیه‌ای از خاندان‌هایی که از حکومت وی جانبداری کردند از جمله خاندان بوشهری قدردانی نمود (الوطن، ۲۰۱٤).

نتیجه

سرزمین بحرین در سده ۱۹ و ۲۰م مقصد اصلی بسیاری از مهاجران منطقه بوشهر بود. از علل اصلی این مهاجرت می‌توان به مواردی چون قرابت جغرافیایی بحرین و بوشهر، موقعیت مناسب اقتصادی بحرین و مشابهت‌های فرهنگی دو سرزمین اشاره کرد. مهاجران بوشهری به دلیل جمعیت قابل توجه و توانمندی‌های اقتصادی خود، به تدریج توانستند در دیگر بخش‌های جامعه وارد شوند و خود را به عنوان یک گروه اجتماعی اثرگذار در جامعه بحرین مطرح نمایند. نمونه بارز این مهاجران، خاندان بوشهری است. این خاندان از بانفوذترین خاندان‌های بحرین از اواخر سده ۱۹م تا کنون

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

است. خاندان بوشهری تا پیش از استقلال بحرین (۱۹۷۱م) علاوه بر فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، با تلاش‌های فرهنگی و مذهبی خویش مانند تأسیس مدارس ایرانی و ساخت اماکن مذهبی شیعه موجب تقویت هویت ملی- مذهبی ایرانی‌تباران بحرین به ویژه مهاجران ایرانی ساکن آن کشور شدند. خاندان بوشهری بعد از استقلال بحرین با وجود سیاست دولت آل خلیفه (خاندان حاکم بحرین) مبنی بر کم رنگ کردن نقش و جایگاه شیعیان و به ویژه ایرانی‌تباران، توانستند موقعیت ممتاز اقتصادی و فرهنگی خویش را حفظ کنند و به حفظ هویت شیعی و ایرانی مهاجران ایرانی ساکن بحرین نیز کمک کنند. هر چند از نظر سیاسی به حاشیه رانده شده‌اند و به جز چند تلاش ناکام برای دستیابی به کرسی‌های پارلمان، فعالیت سیاسی چندان نداشته‌اند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

منابع

ـ آل سیف، عبدالله، «عمید العائله... شیخ العجم علی کاظم بوشهری»، صحیفة الاحد، العدد ۲۳۷۶، ۲۰۱۰.

ـ ابواصبع، حمام توفیق، صناعه التاریه بالتاویل، بیروت، الموسسه العربیه للدراسات و النشر، ۲۰۰۶.

ـ افشار، ایرج، جغرافیای تاریخی دریای پارس، بی‌جا، انتشارات سوره، ۱۳۷۶.

ـ اقبال آشتیانی، عباس، مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴.

ـ اقتداری، احمد، خلیج فارس، تهران، بی‌نا، ۱۳۴۵.

ـ السلمان، محمدحمید، «تنظیم الماتم فی البحرین»، صحیفة الوسط، ۴۰۷۴، ۲۰۱۲.

ـ الخلیفه، می محمد، مائه عام من التعلیم فی البحرین، بیروت، الموسسه العربیه للدراسات و النشر، ۱۹۹۱.

ـ المدنی، عبدالله، «کبیر العجم فی البحرین»، صحیفة الایام، العدد ۹۱۵۳، ۲۰۱۴.

ـ ــــــــــــــ النخب فی الخلیج *[فارسی]*، بیروت، الموسسه العربیه للدراسات و النشر، ۲۰۱۶.

ـ بردستانی، رضا، بنیاد ایرانشناسی شعبه بوشهر، مصاحبه، ۵ بهمن ۱۳۹۹.

ـ بوشهری، علی، «ماتم العجم تأسس ۵ رجال قبل ۱۵۰ عاما فی فریق کانوا»، صحیفه الوسط، العدد ۵۱۵۱، ۲۰۱۶.

ـ پرویش، محسن، «بررسی عملکرد مدارس ایرانیان حاشیه خلیج فارس در دوره پهلوی اول (بحرین و کویت)»، فصلنامه تخصصی مطالعات خلیج فارس، شماره اول، بهار ۱۳۹۵.

ـ تکمیل‌همایون، ناصر، خلیج فارس، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.

ـ حاج‌حسینی، حسین، «سیری در نظریه های مهاجرت»، راهبرد، شماره ۴۱، ۱۳۸۵.

ـ حسینی‌فسایی، میرزاحسن، فارسنامه ناصری، ج۲، به تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸.

ـ حکایة المنامه، ۲۰۱۸.

- Retrieved Sep. 09, 2021, from https://manamastory.com/%d8%af%d9%83%d8.

ـ دشتی، حسن، بنیاد ایرانشناسی شعبه بوشهر، مصاحبه، ۲۷ دی ۱۳۹۹ش.

ـ دشتی، حسن، بنیاد ایرانشناسی شعبه بوشهر، مصاحبه، ۱ بهمن ۱۳۹۹ش.

ـ دلدم، اسکندر، خلیج فارس، تهران، نوین، ۱۳۶۳ش.

ـ راسخون، ۱۳۸۷ش؛

Retrieved Sep. 09, 2021, from https://rasekhoon.net/article/show/115259/%D8

ـ سعید، حسن، «العجم و البحرین؛ جذور التاریخ و حمایه الجغرافیا»، ۲۰۱۶:

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]

http://www.bcsl.org.uk/arabic/?p=1353

ـ سنوات الجریش، ۲۰۰۹.

- Retrieved Sep. 09, 2021, from http://www.jasblog.com/wp/?p=3200

ـ شاملوئی، حبیب‌الله، جغرافیای کامل جهان، ج ۱، بی جا، بنیاد، ۱۳۷۳.

ـ صباغیان، نوشین، «بررسی عملکرد مدرسه ملی اتحاد ایرانیان در بحرین در فاصله سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۳۵ بر پایه اسناد ساواک»، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۰.

ـ لوریمر، راهنمای خلیج فارس، ترجمه سیدمحمدحسن نبوی، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۷۹.

ـ مرایا التراث، ۲۰۱۳.

Retrieved Sep. 09, 2021, from https://malturath.wordpress.com/2013/04/11/%D%985%D9%86.

ـ نجف‌پور بوشهری، رضا، بنیاد ایرانشناسی شعبه بوشهر، مصاحبه، ۱۸ بهمن ۱۳۹۹.

ـ الوسط، ۲۰۱۰.

Retrieved Sep. 09, 2021, from http://www.alwasatnews.com/news/466080.html.

ـ الوطن، ۲۰۱۴.

Retrieved Sep. 09, 2021, from https://alwatannews.net/article/494170/%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%D9%83.

ـ الوطن، ۲۰۱۸.

Retrieved Sep. 09, 2021, from https://alwatannews.net/article/783061/Election/%D9%85%D8

ـ یاپ، ملکم؛ بریتون، کوپربوش، خلیج فارس در آستانه قرن بیستم، ترجمه حسن زنگنه، تهران، به‌دید، ۱۳۸۸.

ـ یتیم، عبدالله عبدالرحمن، «البحرین المجتمع و الثقافه»، بیروت، الموسسه العربیه للدراسات و النشر، ۲۰۱۶.

- Cohen, Ronen, Iran, Israel, and Zionism since the Islamic Revolution - From Rational Relations to Threat and Disaster, S. Daniel Abraham Center for Strategic Dialogue, 2008.

- Stephenson, R. Lindsey, REROUTING THE PERSIAN GULF:THE TRANSNATIONALIZATION OF IRANIAN MIGRANT NETWORKS, c.1900-1940, PRINCETON UNIVERSITY, 2018.

- Stephenson, R. Lindsey, *Between Modern and National Education; The , Ajam schools of Bahrain and Kuwait*, international journal of Archoeology and social sciences in the Arabian Peninsula, 2019.

- McCoy, Eric Andrew,Iranians in Bahrain and the United Arab Emirates: Migration, Minorities, and Identities in the Persian Gulf Arab States, The University of Arizona, 2008.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.109]